

زیاده‌های بزرگ ناسپاسی



۲

یکی از برنامه‌های ارزنده و سازنده اسلام این است که: مسلمانان باید در برابر نعمتهای بی‌پایان الهی سپاسگزار باشند، در حقیقت حس قدرشناسی از آزادی درونی یعنی چیزی که بطور اسرار آمیزی بشخصیت انسان پیوسته است، تراوش میکند. برای گسترش فضائل انسانی در جامعه بشری، تشویق و تحریکهای عاطفی عامل سودمند و مفیدی است، اگر مردم با عکس العمل‌های خود پاداش نیکو کاران و کیفر بدکاران را بدهند، اجتماع رو به سلامت و کمال خواهد رفت زیرا وقتی حس انزجار و تنفر نسبت به بزه‌کاران و روح ستایش و حقشناسی در مورد پرهیزکاران و نیکان در مردم زنده شود، طبعا جامعه؛ بسوی فضیلت و تقوی گرایش پیدا میکند و پاکی آرمانها و هدفها بسط خواهد یافت، میزان ارزش هر کس روشن میشود، و صف پاکان و آلودگان از هم جدا میگردد.

علی (ع) بمالك اشتر ضمن فرمان تاریخی خود میفرماید: «ای مالك در نظر تو نباید نیکو کار و بدکار یکسان باشند چنین شیوه ای، نیکو کاران را از نیکویی باز میدارد و بدکاران را به بدی توغیب می نماید، هر يك از آنها را به راهی که انتخاب کرده اند پاداش یا کیفرده» (۱).

برای افراد نادری که شخصیت شان به عالیترین مرحله تکامل رسیده، همان رضایت و آرامش خاطری که از انجام تکالیف و وظائف در خود احساس میکنند بهترین پاداش و مشوق است اما نیل بچنین سطح اخلاقی ایده آل، تنها برای عده بسیار معدودی میسر است و غالب مردم بچنان مرحله ای از کمال روحی نرسیده اند که احتیاج بتحسین و ستایش نداشته باشند و لذا نباید از اهمیت و تأثیر قدردانی و تشویق در هیچ

(۱) ولا یكون المحسن والمسیء عندك بمنزلة سواء فان فی ذلك تزهدا لاهل الاحسان فی الاحسان وتدریبا لاهل الاسائة علی الاسائة والزم كلامهم ما لزم نفسه (نهج - البلاغه صفحه ۹۹۱).

موقعیتی غافل بود.

روانشناس معروف «شاختر» میگوید: «اگر لازم باشد بکسی ایرادی بگیری و عمل او را مورد انتقاد قرار بدهی، واجب است ابتداء یکی از اعمال خوب او را متذکر بشوی و از آن عمل تعریف و تمجید کنی تا احتیاج او بتوجه و قدردانی اقصا شده باشد، پس از آن اگر با او ایرادی بگیری چندان تلخ و ناگوار نخواهد بود بلکه ایراد و صلاح اندیشی شمارا بارغبث و امتنان خواهد پذیرفت.

هر کس در هر سن و مقامی باشد قلباً علاقمند است که کارهای او مورد توجه مردم قرار گیرد و حتی معلم سالخورده، پس از سالها درس دادن و تمجید شنیدن باز اگر شاگرد کوچکی بشنود که: «آقا امروز از درس شما خیلی استفاده کردیم» خوشدل و خرسند خواهد شد.

احتیاج دیگران را به توجه و قدرشناسی بر آورید تا داد و ستد زندگی آسانتر و خوشتر باشد، هیچ فرصتی را برای قدرشناسی و تمجید از کارهای خوب دیگران از دست ندهید تا دیگران نیز احتیاج شمارا بتوجه و قدرشناسی بر آورند» (۱).

هر گاه که در برابر عواطف و نیکی دوستان قرار میگیرید و می بینید بانهایت علاقه و حسن نیت در راه انجام تقاضاها و خواسته های شما گام برمیدارند و بخاطر حل مشکلاتان صمیمانه در فعالیت و تلاشند، بحکم اخلاق و انسانیت از الطاف کریمانه آنها تشکر نموده قلب بی آلایش و پاکشان را بسائید و محبت خویش را بی دریغ نثار آنان کنید.

اگر نیکی و محبت لاف‌باکمترین مرحله قدردانی، یعنی تقدیر و ستایش لفظی مقابله نشود از جوانمردی و مروت بسیار دور است و یکنوع حق کشی محسوب می شود.

هستند کسانی که هر قدر درباره آنها خوبی و مساعدت شود، از تشکر و سپاس عملی و لفظی گذشته، اصولاً رضایت خاطر هم حاصل نمیکند مثل اینکه وظیفه دیگران محبت و خدمت بآنها است و آنان هم وظیفه‌ای جز ناسپاسی و ضایع ساختن احسان و حق دیگران ندارند، خوانندگان میتوانند گاهی این تیپ اشخاص را در پیرامون خود ببینند. رفتار اینها با عقل و انسانیت و هیچ منطقی سازش ندارد.

حتی اگر میخواهید از کسی انتقاد کنید نخست از بعضی خوبیهای او قدردانی نمائید

علی (ع) این گروه حق شناس را در صف حیوانات جاداده است: « هر که از احسان و خوبی نیکوکاران قدردانی نکند حیوانی بیش نیست» (۱).

حتی اگر حسن نیت و صداقت کسی را احساس کردید هر چند موفق بانجام کار شما نشود، باز همان نیت پاک و بی آرایش او را مورد تحسین قرار دهید.

علی (ع) فرمود: «من لم یحمد اذ اذاه علی حسن النیة لم یحمده علی الصنیة» هر که از حسن نیت و اراده بی آرایش و صادقانه دوست خود تشکر نکند در برابر اقدام نیک و خدمت شایسته او هم سپاسگزار نخواهد شد.

امام یازدهم، پیشوای عالیقدر فرمود: «خیرا خوانک من نسی ذنبک و ذکر احسانک الیه»: بهترین دوستان شما آن کسانی هستند که لغزشهای شما را فراموش کرده ولی هرگز خدمت و احسان شما را زیاد نبرند.

روح ناسپاسی برای آدمی زیان غیر قابل جبرانی بیارمی آورد؛ زیرا وقتی انسان در برابر خدمات و مهر بانیهای دیگران حتی با آگاهی با اهمیت کار و رنج و زحمتی که متحمل شده اند از تشکر و تمجید دریغ ورزد آنها برای بار دیگر علاقه و رغبتی به خدمت و گره گشایی از کاروی نشان نمی دهند.

علی «ع» طی جمله ای کوتاه این زیان و محرومیت را خاطر نشان میسازد: «هر کس از نیکی هاسپاسگزاری نکند جز محرومیت و ناکامی عایدوی نخواهد شد.» (۲)

در پایان، جمله ای از امیر مؤمنان علی (ع) که در اهمیت تقدیر و اراد شده است نقل میکنیم: «ای مالک با میدرسیدگی بکارهای بزرگه از امور کوچک و کارهای کم اهمیت غافل مباش زیرا در جای خود مردم از احسان و خدمت اندک تو استفاده میکنند در حالی که از خدمات و احسانهای بزرگ تو هم بی نیاز نیستند پس خواهسته ها و تقاضاهای مردم را بطور کلی مورد توجه خاص قرار بده و از کسانی که رنج و زحمت کشیده و از

(۱) من لم یشکر الانعام فلیعد من الانعام (غرر الحکم ص ۶۷۲).

(۲) من لم یشکر الاحسان لم یعد الا الحرمان (غرر الحکم ص ۷۰۲).

خود فعالیت و شایستگی نشان داده اند ستایش کن، زیرا یاد نیکو کاری آنها، احساسات رزمجویانه شجاعان را تهییج نموده و آنها را به حرکت و جنبش پیگیری بر میانگیزاند و حتی با همین شیوه خاص میتوانی افراد محافظه کار و ترسورا بجهه جنگ بکشانی (۱)»



با این همه حساب تقدیر و ستایش معقول از تمجید بی مورد جدا است پس در درعین حال که لازم است امتنان و قدر شناسی را در موارد خود تا سر حد امکان رعایت نمود، باید از تحسین بیجا، سخت احتراز جست، روح تشویق و سپاس ناشی از رشد شخصیت و اعتماد بنفس است و سلامت روح. در حالیکه مداحی بیجانانه احساس حقارت و زبونی و ترس و تزلزل شخصیت است. تحسین بی مورد روش کسانی است که میخواهند از این راه کمبود خود را جبران کنند، یا بطرزی مزورانه در پی جلب منافع خویشند؛ ستایشهایی که از ناحیه ارباب طمع صورت میگردد چون منکی یا ایمان و عقیده آنها نیست بلکه بخاطر هدف خاصی ابراز میشود فاقد هر گونه ارزش است. این ستایشگران سودجو، همچون شکارچیان ماهری هستند که دام ستایش و مدح میگسترانند تا از این رهگذر شکاری را بدام کشند.

«ولتر» میگوید: «آنهائیکه در زبان بازی مهارت بخروج میدهند اغلت نیت ناپاکی را در دل میپورانند.»

علی «ع» فرمود: «تمجیدی که از حد استحقاق اشخاص بالاتر باشد چالپوسی، و ستایشی که از میزان استحقاق کمتر باشد ناتوانی یا حسد است.» (۱)

(۱) لاندع تفقد لطیف امور هم اتکالا علی جسیما فان لیسیر من لطفک موضعا یتنفون به وللجسیم موقعا لایستغنون عنه فافسح فی آمالمهم و واصل فی حسن الثناء علیهم و تمديد ما بلی ذو البلاء منهم فان کثرة الذکر لحسن افعالهم تهر الشجاع و تحرض الناکل.. (نهج البلاغه فیض ص ۹۹۷).

(۱) الثناء باکثر من الاستحقاق ملق و التقصیر عن الاستحقاق عی او حسد (سفینة